



خشکسالی در بادغیس؛

زمین‌های زراعتی از حاصل بازمانده‌اند



در پی خشکسالی‌های پیهم و کاهش باران‌های موسمی، حاصلات کشاورزی در بیشتر ولایت‌ها کاهش یافته است. اکنون شماری از کشاورزان در بادغیس از وضعیت نامطلوب کشاورزی ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته آنان، حاصلات گندم در این ولایت به نصف کاهش یافته است. برخی کشاورزان می‌گویند که آنان در گذشته افزون بر حفظ بخشی از حاصلات، باقی‌مانده آن را در بادغیس و سایر ولایت‌ها می‌فروختند، اما حاصلات‌شان امسال ممکن برای خانواده‌های‌شان نیز کافی نباشد...

۳

معنای واقعی رنج؛

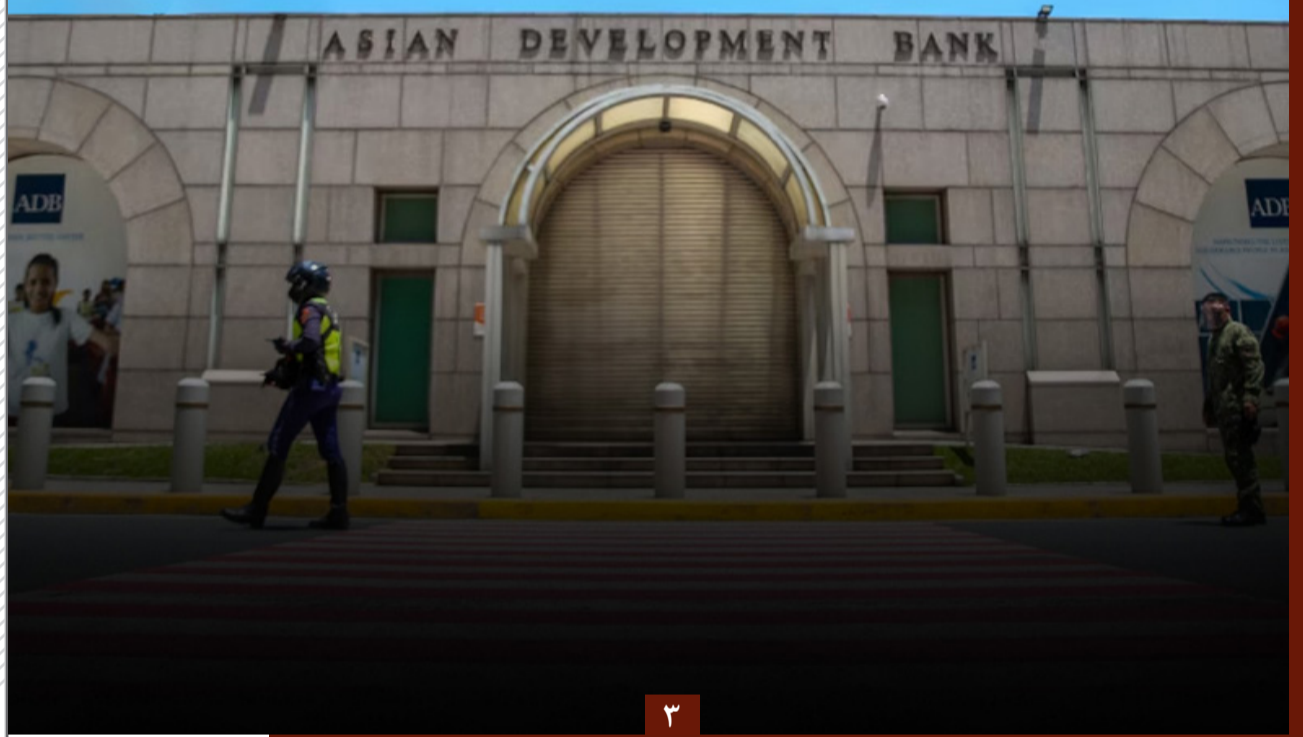
پنج سال در آتش



۵

کمک به مردم یا تقویت طالبان؛

بانک توسعه آسیایی در کابل بازگشایی می‌شود



۳

تفنگ‌داران ناشناس در فاریاب یک قصاب را به رگبار بستند



۸صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که یک مرد جوان در شهر میمنه، مرکز این ولایت از سوی تفنگ‌داران ناشناس به قتل رسیده است.

این رویداد پنج‌شنبه‌شب، ۲۳ سنبله، در روستای قطور از مربوطات ناحیه ششم شهر میمنه، مرکز این ولایت رخ داده است. به گفته منابع، فرد قربانی شاه‌ولی نام داشت و ۲۴ ساله بود. از وی چهار فرزند به جا مانده است.

مهاجمان وی را که شغل قصابی داشت، هنگام برگشت از دکان به خانه‌اش با سلاح کلاشینکوف کشته‌اند.

مسئولان امنیتی طالبان در فاریاب قتل این مرد جوان را تایید کرده و گفته‌اند که تا کنون کسی در پیوند به این رویداد بازداشت نشده است. این در حالی است که این روزها رویدادهای جنایی به‌ویژه قتل در برخی از ولایات کشور از جمله فاریاب افزایش یافته است. طبق آمار در جریان هفته گذشته پنج رویداد قتل در مرکز و ولسوالی‌های این ولایت به ثبت رسیده است.

محافظ ولسوال طالبان برای کوهستانات فاریاب هنگام اقدام به تجاوز جنسی از سوی مردم بازداشت شد



اقدام به تجاوز جنسی بازداشت شده است. منابع محلی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که قاری حماد، محافظ ولسوال کوهستانات ولایت فاریاب حوالی ساعت ۱۱:۰۰ چهارشنبه‌شب، ۲۲ سنبله، به قصد تجاوز بر یک دختر ۱۳ ساله وارد یک

۸صبح، فاریاب: منابع محلی در ولایت فاریاب فرستادن ویدئو ادعا می‌کنند که محافظ ولسوال طالبان برای ولسوالی کوهستانات فاریاب هنگام

منزل مسکونی در مربوطات این ولسوالی شده بود. مردم محل پس از بازداشت و لت‌وکوب، او را به طالبان تسلیم کردند، اما به قول منابع روز گذشته آزاد شده است. ساکنان منطقه پس از آن که صدای فریاد مادر دختر را می‌شنوند، به کمک آنان می‌شتابند و در نهایت فرد متهم را بازداشت می‌کنند. تا کنون مسوولان محلی طالبان در این مورد چیزی

نگفته‌اند. اخیراً پرونده‌های فساد اخلاقی اعضای طالبان قطورتر شده است. طی حدود یک ماه گذشته چندین پرونده جنسی اعضای این گروه همگانی شده است. پیش از این نیز مردم در ولایت‌های کندز، تخار، بغلان و بدخشان افراد گروه طالبان را هنگام اقدام به تجاوز بازداشت کردند که در این میان شاورال طالبان برای ولسوالی برکه بغلان نیز شامل است.

منبع: بانک توسعه آسیایی اوایل سال آینده میلادی دفترش در افغانستان را بازگشایی می‌کند

تمویل‌کننده اصلی، بر بانک توسعه آسیایی فشار وارد کرده‌اند که دفترش را در افغانستان زیر اداره طالبان بازگشایی کند. قرار است کمک‌های که برای افغانستان در نظر گرفته شده، با باز شدن دفتر این بانک در کابل در زمینه مواد غذایی و خدمات صحتی مصرف شود.



بانک توسعه آسیایی در پی تسلط دوباره طالبان بر کشور فعالیتش در افغانستان را به حالت تعلیق درآورده است. طی این دو سال بانک توسعه آسیایی در چندین مورد به افغانستان زیر اداره طالبان به‌ویژه در بخش صحت کمک کرده است. پیش از تسلط طالبان، بانک انکشاف آسیایی از تمویل‌کنندگان مهم حکومت پیشین افغانستان بود و این نهاد بین‌المللی صدها میلیون دالر تا کنون در بخش‌های بازسازی افغانستان مصرف کرده است.

۸صبح، کابل: یک منبع معتبر به روزنامه ۸صبح می‌گوید که بانک توسعه آسیایی (ADB) دفترش در افغانستان را در ماه جنوری یا فبروری سال آینده بازگشایی خواهد کرد. این منبع که نخواست از وی نام برده شود، روز جمعه، ۲۴ سنبله، تایید کرد که این بانک همچنان می‌خواهد تا دست‌کم ۴۰۰ میلیون دالر را در قالب کمک‌های بشردوستانه به افغانستان کمک کند. به گفته منبع، آمریکا و جاپان به‌عنوان دو

۲۲ سال پس از حملات یازدهم سپتامبر؛

«القاعده» در چه وضعی قرار دارد؟



حقوق بشری در افغانستان زیر کنترل طالبان

پس از سقوط نظام جمهوری در کشور، حاکمیت دوباره طالبان کابوس سال‌های گذشته را تازه کرد...





سفیر فرستادن چین به نزد طالبان

موضع چین در برابر طالبان، مبهم و چندپهلوی است. در ظاهر، چین با هر گونه گروه و جنبشی که رنگ دینی داشته باشد مخالف است، اما در تمام سال‌هایی که طالبان عملیات انتحاری و خشونت‌بار خود را در افغانستان به پیش می‌بردند، دولت چین جز اظهار نگرانی از خشونت‌ها کار دیگری نمی‌کرد و به نظر می‌رسید که از به چالش کشیده شدن حضور ناتو در این کشور به هر شکلی که باشد خرسند است. همچنان به نظر می‌رسید که روی کارآمدن رژیم ضعیف و تحت‌الحمایه پاکستان در افغانستان را به سود خود می‌داند؛ زیرا دستیابی به معادن و منابع طبیعی این کشور که در راس اولویت‌های چین درباره افغانستان بوده است، آسان‌تر می‌شود. همچنان که از کاهش نفوذ هند، اروپا و آمریکا در افغانستان راضی به نظر می‌رسد. در همین راستا، نبود دولت مشروع و قانونی در افغانستان، فرصت بهتری برای تاراج معادن این کشور به شمار می‌رود و این برای کمپنی‌های چینی یک فرصت طلایی تلقی می‌شود.

در طرف دیگر، از هنگامی که گفت‌وگوهای ایالات متحده آمریکا با طالبان به پیش رفت و به انعقاد آن موافقت‌نامه انجامید، چین احساس کرد که این گروه قابل اعتماد نیست و ممکن است تعهد خدمت به کسی را بسپارد که پول بیشتری به آن بدهد. همچنان، چین می‌داند که وضعیت اقلیت مسلمان اویغور در آن کشور که در بدترین ستم‌های ممکن در این قرن به سر می‌برد و زیر حمله محو کامل هویت دینی و فرهنگی خود قرار دارد، می‌تواند از سوی گروه‌های جهادی دستاویزی بر ضد دولت چین شود و خطرات امنیتی برای آن به بار بیاورد. از این جهت، تصمیم گرفت که روابط خود را با طالبان تقویت کند و به این گروه اطمینان بدهد که در هر حالت در کنار آن قرار دارد.

فرستادن سفیر به نزد طالبان، یکی از این اقدام‌های چین برای ابراز صمیمیت به طالبان و تقویت بیش‌تر روابط با این گروه است تا نشان بدهد که بیش از ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به طالبان اخلاص دارد و در شرایطی که آمریکا حاضر نیست به نزد این گروه سفیر بفرستد، بیچینگ با فرستادن سفیر به نزد این گروه کمک می‌کند که وجهه منطقه‌ای و بین‌المللی آن بالا برود و در عرصه دیپلماتیک اعتماد به نفس بیش‌تری حاصل کند.

این بازی چین با قضیه افغانستان در نزد مردم افغانستان که از شکنجه طالبان و سرکوب گسترده و تبعیض آشکار این گروه رنج می‌برند، بازتابی به‌شدت منفی دارد و این پیام را به آن‌ها می‌رساند که در روزهای سخت و تاریک افغانستان، چین تنها به تاراج معادن این کشور همسایه خود می‌اندیشد، نه به رنج میلیون‌ها آدمی که در این سرزمین گرفتار عسرت و سیاه‌روزی‌اند. همچنان، چین بازی خطرناکی را به پیش می‌برد؛ زیرا از یک سو از گروه ترکستان شرقی احساس خطر می‌کند و از دیگر سو به گروهی که هم‌فکر و هم‌پیمان آن است، کمک می‌رساند و برای تقویت آن تلاش می‌ورزد.

اگر چه نداشتن پرنسپ‌های اخلاقی در عالم سیاست بسیار رایج است و بسیاری از دولت‌ها خلاف ارزش‌های جهان‌شمول اخلاقی عمل می‌کنند، اما سیاست چین در قبال افغانستان و فرستادن سفیر به نزد طالبان، مظهر تمام‌عیار فقدان اصول اخلاقی است که تصویر بسیار ناخوشایندی از این همسایه در ذهن مردم به جا خواهد نهاد و این برای آینده بلندمدت دو کشور همسایه به‌شدت زیان‌بار خواهد بود.

نبنزیا: سازمان ملل در سال جاری به اوکراین بیشتر از افغانستان کمک کرده است



۸ صبح، کابل: واسیلی نبنزیا، نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل متحد گفته که در سال جاری میلادی اوکراین ۱.۸۳ میلیارد دلار کمک بشردوستانه از سوی این سازمان دریافت کرده است.

خبرگزاری تاس روز جمعه، ۲۴ سنبله، گزارش داده که وی در نشست شورای امنیت این سازمان زیر نام «پیشبرد مشارکت بشردوستانه عمومی و خصوصی» از کمک کم به افغانستان نسبت به اوکراین انتقاد کرده است.

به گفته نبنزیا، کمک انجام شده به اوکراین یک میلیارد دلار بیشتر از رقمی است که به افغانستان در سال جاری از سوی سازمان ملل متحد کمک شده است.

نماینده روسیه با لحن طعن‌آمیز اضافه کرده است: «این مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار بیشتر از آنچه برای

حمایت از مردم رنج‌کشیده سوریه درخواست می‌شود است و یک میلیارد دلار بیشتر از کمک به مردم عادی افغانستان است که دموکراسی‌سازی تجربی را توسط ایالات متحده و ناتو تجربه کرده‌اند.»

به قول این مقام روسی، بسیاری از افراد در کشورهای یادشده مجبورند اعضای بدن و کودکان‌شان را در ازای پول بفروشند تا بتوانند به بقیه خانواده غذا تهیه کنند.

این انتقاد در حالی صورت می‌گیرد که براساس آمارها در حال حاضر دست کم ۳۰ میلیون تن در افغانستان به کمک‌های بشری نیاز دارند و برخی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان جهانی غذا به دلیل نبود بودجه میزان کمک‌هایش به افغانستان را کاهش داده است.

موسسه کمک بین‌المللی بازداشت کارمندانش در غور را تایید کرد

دلیل بازداشت کارمندان این موسسه معلوم نبود تا این که روز (جمعه، ۲۴ سنبله) عبدالواحد حماس، سخنگوی والی طالبان برای غور در گفت‌وگو با طلوع‌نیوز ادعا کرده که این افراد به دلیل ترویج دین عیسوی بازداشت شده‌اند و در میان‌شان یک زن به نام جودی، شهروند آمریکا نیز شامل است.

با این حال، موسسه کمک بین‌المللی خاطرنشان کرده است: «ما از شرایطی که منجر به این حوادث شده است بی‌اطلاع هستیم و دلیل بازداشت کارکنان خود را اعلام نکرده‌ایم.»

این موسسه با تأکید بر رفاہ و امنیت کارمندانش گفته که برای حصول اطمینان از ایمنی آنان تلاش می‌کند.

این موسسه گفته به فعالیت‌هایش برای افغانستان «عادلانه و صلح‌آمیزتر» ادامه می‌دهد. موسسه کمک بین‌المللی از سال ۱۹۹۶ به این‌سو در بخش‌ها مختلف چون صحت، آموزش و توانمندسازی جوامع فعالیت می‌کند.

پاکستان: نگران تهدیدات امنیتی از جانب افغانستان هستیم

گفته است: «ما باید اطمینان حاصل کنیم که از خاک افغانستان برای تهدید پاکستان استفاده نمی‌شود.»

وی افزوده است که برخی نگرانی‌های اسلام‌آباد در مورد سوءاستفاده از توافق‌نامه تجارت ترانزیتی وجود دارد که در این مورد با مقام‌های طالبان تعامل خواهد شد.

روابط طالبان و پاکستان در روزهای اخیر پر تنش دنبال شده است.

در ماه‌های اخیر حملات بر نیروهای امنیتی پاکستان در نقاط مختلف این کشور نیز افزایش پیدا کرده است.

تنش روابط میان دو طرف منجر به مسدود شدن گذرگاه تورخم نیز شد که این مرز پس از چندین روز فردا بازگشایی خواهد شد.



۸ صبح، کابل: وزارت امور خارجه پاکستان گفته که اسلام‌آباد نگران تهدیدات امنیتی است که از خاک افغانستان سرچشمه می‌گیرد. ممتاز زهرا بلوچ، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان روز پنج‌شنبه، ۲۴ سنبله، در یک نشست خبری

مه‌ره فابی تراجنس معترض پس از هشت روز اعتصاب غذایی راهی شفاخانه شد

۸ صبح، کابل: مه‌ره فابی، معترض اهل افغانستان به آپارتاید جنسیتی از سوی طالبان پس از هشت روز اعتصاب غذایی در سویدن و در پی وخیم شدن وضعیت صحتی‌اش به شفاخانه منتقل شده است.

عکس‌هایی از جریان انتقال وی به شفاخانه روز جمعه، ۲۴ سنبله، منتشر شده است.

فابی گفته است: «از خطر بیرون شدیم و هنوز در بیمارستان هستیم.»

فابی عضو جامعه دگرپاشان جنسی افغانستان هشت روز پیش و در حمایت از اعتصاب غذایی تمنا پریانی و دیگر فعالان حقوق بشر در سویدن دست به اعتصاب غذایی زد.

در نخستین روز اعتصاب غذایی‌اش فابی خاطرنشان کرد که مبارزه‌اش برای اقلیت‌های جنسیتی در افغانستان است که در زیر اداره طالبان با چالش‌های فراوان روبه‌رو هستند.

تمنا پریانی، نخستین معترض زن در آلمان که نسبت به آپارتاید جنسیتی در افغانستان دست به اعتصاب غذایی زد، دو روز پیش اعتصابش را شکست.

پریانی پس از شکستن اعتصابش از نحوه برخورد کشورهای حامی حقوق بشر نسبت به وضعیت زنان در افغانستان انتقاد کرد.



امریکا بار دیگر از تشکیل حکومت همه‌شمول در افغانستان اعلام حمایت کرد

۸ صبح، کابل: سفارت امریکا برای افغانستان در روز جهانی دموکراسی حمایت خود از حکومت همه‌شمول در افغانستان را اعلام کرده است.

این سفارت که اکنون در قطر فعالیت دارد، روز جمعه، ۲۴ سنبله، مصادف با ۱۵ سپتامبر، روز جهانی دموکراسی، طی پست کوتاهی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) بار دیگر این موضوع را یادآوری کرد. در پست سفارت امریکا آمده است: «امروز، روز جهانی دموکراسی است. ایالات متحده امریکا به مناسبت این روز و همواره بر ایجاد یک حکومتی که از همه مردم افغانستان

نماینده‌گی کند تأکید می‌ورزد.» این سفارت تشکیل حکومت نماینده مردم در افغانستان را برای شنیده‌شدن صدای مردم این کشور مهم دانسته است.

ادارات و مقامات مختلف امریکا بارها اظهارات این‌چنینی را در رابطه به تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان که از همه مردم این کشور نماینده‌گی کند، مطرح کرده‌اند، اما با انتقاد طرفداران تشکیل این نوع حکومت در افغانستان مواجه شده‌اند.

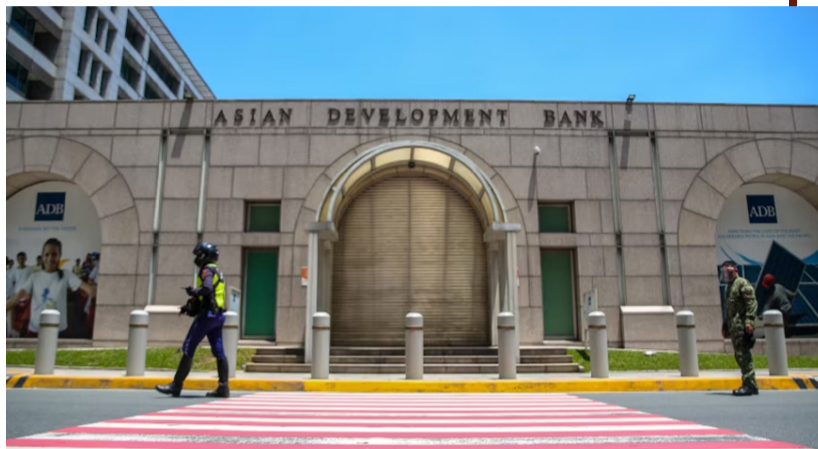
منتقدان بارها نحوه تعامل امریکا با طالبان را خلاف آنچه در بیانیه‌های حکومت این کشور مطرح می‌شود، می‌دانند.

با این حال، طالبان بارها مدعی شده‌اند که اداره آنان در افغانستان همه‌شمول است.

این در حالی است که هرچند رابطه میان طالبان و امریکا و دیدوبازدید هیأت‌های دو طرف همچنان ادامه دارد، اما این کشور با گذشت دو سال تا کنون این گروه را به رسمیت نشناخته است.

کمک به مردم یا تقویت طالبان؟

بانک توسعه آسیایی در کابل بازگشایی می‌شود



منابع تصریح می‌کنند که این اقدام در پی فشار جاپان و امریکا که از تمویل‌کننده‌گان کلیدی این بانک هستند، روی دست گرفته شده است. این بانک در حالی تصمیم به آغاز فعالیت‌هایش در افغانستان گرفته که در استراتژی ۲۰۳۰ خود، کمک به کاهش فقر زنان و توسعه برابری جنسیتی را از اولویت‌های برنامه‌هایش عنوان کرده است.

کتاب امین کاوه

نهادهای کمک‌کننده به شمول بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و سایر بانک‌های بین‌المللی، فعالیت‌های خود را در افغانستان متوقف کرده‌اند. در پی تعلیق فعالیت‌های آنان، سیستم بانکی و نقدینه‌گی در افغانستان زیر اداره طالبان با بحران مواجه شد که این وضعیت تا کنون ادامه دارد. در تازه‌ترین مورد، منابع از بازگشایی بانک توسعه آسیایی، یکی از بزرگ‌ترین تمویل‌کننده‌گان افغانستان در دو دهه گذشته، خبر داده‌اند. به گفته منابع، قرار است این بانک در ماه‌های جنوری یا فیبروری سال ۲۰۲۴، فعالیت‌های خود را در افغانستان دست کم پس از سه سال از سر بگیرد. منابع تصریح می‌کنند که این اقدام در پی فشار جاپان و امریکا که از تمویل‌کننده‌گان کلیدی این بانک هستند، روی دست گرفته شده است. این بانک در حالی تصمیم به آغاز فعالیت‌هایش در افغانستان گرفته که در استراتژی ۲۰۳۰ خود، کمک به کاهش فقر زنان و توسعه برابری جنسیتی را از اولویت‌های برنامه‌هایش عنوان کرده است. همچنان در استراتژی بانک توسعه آسیایی آمده که رسیده‌گی به فقر و کاهش نابرابری‌ها، تحصیل و آموزش و تسریع پیشرفت در تساوی جنسیتی از برنامه‌های عملیاتی این بانک برای توسعه بشری و

منابع از بازگشایی دفتر بانک توسعه آسیایی در افغانستان خبر داده‌اند. به گفته منابع، جاپان و امریکا به‌عنوان تمویل‌کننده‌گان کلیدی بانک آسیایی، فشار وارد کرده‌اند تا این بانک دفترش را در افغانستان زیر اداره طالبان باز کند. قرار است این بانک در ماه‌های اول سال آینده میلادی فعالیت‌هایش را در افغانستان از سر بگیرد. بانک توسعه آسیایی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمویل‌کننده‌گان بودجه‌ای افغانستان، با سلطه طالبان فعالیت‌هایش را در کشور به تعلیق درآورد و دفترش را به تاجیکستان انتقال داد. در همین حال، شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان و شماری از زنان معترض، این اقدام را حمایت غیرمستقیم از «تروریسم» می‌دانند. به گفته آنان، جهان و به‌ویژه ایالات متحده نباید برای عادی‌سازی روابط خود با طالبان از نهادهای بین‌المللی به‌عنوان ابزار سیاسی استفاده کند. از سوی دیگر، بازگشایی دفتر بانک توسعه آسیایی، خلاف استراتژی ۲۰۳۰ این بانک است که براساس آن، حمایت از زنان و برابری جنسیتی از برنامه‌های عملیاتی‌اش شمرده می‌شود. پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، همه

این اقدام حمایت از «تروریسم» است. آقای پشتون تاکید می‌کند که بدون ایجاد دولت قانونی که مشروعیت انتخابی داشته باشد «آمدن بانک‌ها و پول دادن به طالبان» حمایت غیرمستقیم از «تروریسم بین‌المللی» است.

سخنگوی شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان تصریح می‌کند که طالبان به ارزش‌های مبتنی بر هنجارهای بین‌المللی معتقد نیستند و هر نوع کمک به این گروه به نفع مردم افغانستان جهان نیست. او خاطر نشان می‌سازد که ممنوعیت دختران و زنان از آموزش و تحصیل و ایجاد نصاب آموزشی افراط‌گرایانه برای پسران، کشور را به سمت بنیادگرایی محض می‌برد و جهان نباید به دنبال عادی‌سازی روابط با چنین گروهی باشد.

در همین حال، شماری از زنان معترض نیز در واکنش به این اقدام بانک توسعه آسیایی تحت فشار امریکا، می‌گویند که واشنگتن به دنبال عادی‌سازی روابط خود با طالبان است. به گفته آنان، ایالات متحده می‌خواهد از طریق سازمان‌های چندملیتی برای تعامل با این گروه، بستر «بی‌دردسر» را برای خود فراهم کند تا تحت فشار افکار عامه شهروندانش قرار نگیرد.

زنان معترض می‌گویند که مقام‌های دولت امریکا با اعمال نفوذ بالای نهادهای بین‌المللی، زنگ به رسمیت شناخته شدن طالبان را می‌خواهد از آسیا به صدا دربیانند. به گفته آنان، چنین اقدامی «خطرناک» و بازی «دوگانه» با زنان افغانستان و ارزش‌های حقوق بشری است. این زنان معترض تاکید می‌ورزند که امریکا در میزهای سیاسی از حقوق بشر حمایت می‌کند، اما برای تقویت طالبان نهادهای اقتصادی و مالی را موظف می‌سازد.

زنان معترض هر نوع تعامل و عادی‌سازی روابط کشورها و سازمان‌ها با طالبان را در تضاد با ارزش‌های حقوق بشری، اصول و هنجارهای روابط بین‌الملل و منافع مردم افغانستان می‌دانند. به گفته آنان، مقام‌های دولت بایدن در پی «سفیدنمایی خروج فاجعه‌بار» از افغانستان هستند تا سیاست‌های ناکام خود را در قبال تروریسم، توجیه کنند.

لیلما جمشیدی (مستعار)، از زنان معترض زیر حاکمیت طالبان، می‌گوید که هر تلاش جهان باید برای برچیدن رژیم «آپارتاید جنسیتی طالبان» باشد. به گفته او، کمک به طالبان، حمایت از سرکوب، تجاوز جنسی، حذف گسترده‌تر زنان و نقض سیستماتیک حقوق بشر در افغانستان است.

گفتنی است که بانک توسعه آسیایی از بزرگ‌ترین کمک‌کننده‌گان به نوسازی و بازسازی افغانستان در دو دهه گذشته بوده است. این بانک در بیش از یک دهه ۸۱۷.۳ میلیون دالر قرضه و ۹.۳ میلیون دالر کمک بلاعوض به افغانستان داده است.

کاهش فقر زنان است. این در حالی است که طالبان در دو سال گذشته، زنان را از همه حوزه‌های عمومی حذف کرده‌اند.

بانک توسعه آسیایی در استراتژی ۲۰۲۳ خود گفته است که در رفتار با کشورها، شیوه‌های متفاوتی دارد. طبق این استراتژی، شیوه تعامل بانک توسعه آسیایی با کشورهایی که در وضعیت‌های شکننده و ناسازگار قرار دارند، متمرکز بر اصلاحات حکومت‌داری و رشد نهادها، رسیده‌گی به عوامل اختلافات و تشویق مصالحه و بازسازی است.

براساس این استراتژی، طالبان در بیش‌تر از دو سال گذشته قادر به حل اختلافات، ایجاد مصالحه و رشد حکومت‌داری خوب و تقویت نهادهای دولتی نشده، بلکه تمام قوانین و سازکارهای حقوقی دولت‌داری را از بین برده‌اند. در رژیم طالبان، نهادی مشخص و قانونی برای نظارت از عمل‌کرد و برنامه‌های توسعه‌ای وجود ندارد. رژیم طالبان در دو سال و اندی، تنها به اظهارات سخنگویانش در مورد شفافیت و پاسخگویی اکتفا کرده و حق پرسش و دسترسی به اطلاعات آزاد را از شهروندان و رسانه‌ها گرفته است.

از سوی دیگر، بانک توسعه آسیایی تعهد کرده بود که فعالیت‌های خود را تا زمانی در افغانستان ادامه خواهد داد که نهادهای دولتی و نیروهای امنیتی افغانستان وجود داشته باشند. این بانک پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، دفتر خود را به تاجیکستان انتقال داد و از آن‌جا در ارایه کمک‌های بشردوستانه در چوکات سازمان ملل متحد به افغانستان ادامه داد. این بانک سال گذشته میلادی بیش از ۴۰۰ میلیون دالر امریکایی در قالب کمک‌های بشری سازمان ملل به افغانستان کمک کرده است. این بانک متعهد شده که در سال آینده نیز ۴۰۰ میلیون دالر از طریق برنامه بشردوستانه سازمان ملل کمک خواهد کرد.

بانک توسعه آسیایی در حالی از کمک‌هایش به مردم افغانستان خبر داده است که شماری از نیروهای سیاسی و مدنی مخالف طالبان، هر اقدامی را که منجر به عادی‌سازی روابط جهان و کمک به طالبان شود، حمایت از «تروریسم» تعریف می‌کنند. شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان می‌گوید که طالبان در دو سال گذشته زنان را به‌صورت کامل از زنده‌گی عمومی حذف کرده‌اند و تعهد به ایجاد دولت مشروع و قانونی ندارند.

خالد پشتون، سخنگوی شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان، در واکنش به تصمیم بازگشایی بانک توسعه آسیایی، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که



خشک‌سالی در بادغیس؛ زمین‌های زراعتی از حاصل بازمانده‌اند

کتاب ۸صبح، بادغیس

کاهش حاصلات در بادغیس را تایید می‌کنند و آن را پیامد خشک‌سالی‌های پنج سال اخیر می‌دانند. خشک‌سالی‌ها در افغانستان سبب شده است که حاصلات زراعتی به‌گونه بی‌پیشینه کاهش یابد و کشاورزان در ولایت‌های مختلف با زیان‌های جدی روبه‌رو شوند. برخی کشاورزان در بادغیس می‌گویند که امسال نسبت به سال‌های گذشته محصولات گندم، جو و خربوزه آن‌ها کاهش ۵۰ تا ۷۰ درصدی داشته است.

محمدجمع، باشنده ساحه تگاب اسماعیل ولایت بادغیس، می‌گوید که محصولات گندم او امسال به علت خشک‌سالی ۶۰ تا ۷۰ درصد کاهش یافته

در پی خشک‌سالی‌های پیهم و کاهش باران‌های موسمی، حاصلات کشاورزی در بیشتر ولایت‌ها کاهش یافته است. اکنون شماری از کشاورزان در بادغیس از وضعیت نامطلوب کشاورزی ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته آنان، حاصلات گندم در این ولایت به نصف کاهش یافته است. برخی کشاورزان می‌گویند که آنان در گذشته افزون بر حفظ بخشی از حاصلات، باقی‌مانده آن را در بادغیس و سایر ولایت‌های فروختند، اما حاصلات‌شان امسال ممکن برای خانواده‌های‌شان نیز کافی نباشد. افزون بر گندم، حاصلات جو و خربوزه بادغیس نیز حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است. مقام‌های محلی طالبان نیز

در همین منطقه تگاب اسماعیل ما که مردم کشت دیمه داشتند، همان کشت‌های‌شان هیچ حاصل نداد. خود ما سال‌های گذشته از همین زمین‌ها اگر ۱۰۰ من برمی‌داشتیم، امسال ۳۰ من یا خیلی که شده ۴۰ من [برداشته شده است]. کلا یا خشک شده بود، یا هم سوخته بود و دانه نداشت.»

ادامه در صفحه ۷



“

مدرسه‌های دینی در پاکستان و افغانستان، عبارت‌اند از فضاهای بسته‌ای که مدیران آن کوشش می‌کنند ارتباط شاگردان آن را به بیرون به حداقل برسانند. از روزنامه و تلویزیون و انترنت در آن‌جاها خبری نیست. شاگردان حق ندارند به جز به همان سخنان تکراری استادان، به سخن دیگری گوش دهند. رهبران این مدارس برای برقراری نظم و دسپلین مورد نظر خود، حتا از خشونت هم کار می‌گیرند.

پدیده خشونت

علیه دانش‌آموزان و ضرورت نقد فرهنگ سنتی

کج شهاب

چند روز قبل ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد و به انتقادهای گسترده دامن زد که نشان می‌داد یک قاری قرآن به نام قدرت‌الله در یکی از مدارس دینی ولایت فاریاب، شاگردش را به شکل فجیعی لت‌وکوب و مجازات می‌کند. صحنه این لت‌وکوب آن‌چنان وحشت‌آفرین است که آدم را به یاد مجازات‌های مجرمان در قرون وسطا می‌اندازد؛ مثل این‌که ما هنوز از قرون وسطای خود بیرون نشده‌ایم. از این‌گونه رفتارها در مدرسه‌های دینی و حتا در مکاتب بسیار رخ می‌دهد، اما فقط شماری از این صحنه‌ها به بیرون درز می‌کند و به نمایش عمومی درمی‌آید و واکنش برمی‌انگیزد. زمانی که این ویدیو به فضای مجازی رسید، بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی، داستان‌های تلخی از تجربیات خود در مورد برخورد زشت آموزگان، ملاها و قاریان قرآن با دانش‌آموزان، نقل کرده‌اند که ثابت می‌کند این‌گونه رفتارها منحصر به ولایت یا اقلیمی خاص یا فلان مدرسه یا بهمان مکتب نیست. خشونت از سر و روی این سرزمین می‌بارد و خشونت معلمان و استادان در برابر شاگردان، یکی از انواع این خشونت‌هاست.

تلخی ماجرا در این است که نوجوانان و جوانان در افغانستان، از کم‌ترین امکانات زنده‌گی محروم‌اند و فرصت‌های آموزشی محدودی در اختیار دارند. به همین دلیل و نیز به دلیل فقر و فلاکت مزمن، بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند پسران‌شان را به مدرسه‌ها یا دارال‌حفاظ‌هایی بفرستند که لیلیه هم داشته باشند و در کنار آموزش علوم دینی، خوراک هم برای آنان فراهم کنند. این مدرسه‌ها یا دارال‌حفاظ‌ها از سوی مدیران و آموزگاران تنگ‌نظر و خشن سرپرستی می‌شوند. این مدیران و آموزگاران تلاش می‌کنند در این مدارس و دارال‌حفاظ‌ها فضایی ایجاد کنند که همه چیز به دل‌خواه آن‌ها پیش برود و نشست‌وبرخاست و درس و مشق و حتا فکر کردن نوجوانان و جوانان، به شیوه‌ای جریان یابد که کم‌ترین آسیبی به هیبت و هیمنه مدیران و آموزگاران وارد نکند. در این فضاها اطاعت محض از استاد ترویج می‌شود و اگر از شخصی رفتاری سر زد که شائبه نافرمانی از آن استنباط می‌شد، مدیر یا آموزگار حق دارد هر بلایی را که می‌تواند بر وی نازل کند.

تجربه آشکار کرده که به وجود آمدن چنین فضای بسته و پدرسالارانه، عواقب خطرناکی دارد. در چنین فضای پدر-پسری، استادان به‌آسانی می‌توانند شاگردان را مجازات کنند و از آن‌ها کار بکشند و

حتا آنان را مورد سوءاستفاده جنسی قرار دهند. موارد زیادی از استفاده جنسی قاریان و ملاها از شاگردان‌شان در گزارش‌های معتبر رسانه‌ای بازتاب یافته است. در پاکستان که رسانه‌ها در این قبیل موارد آزادی عمل بیش‌تری دارند، ویدیوهایی از ملاهای کلان و مشهور پاکستانی پخش شده، حاکی از این‌که این ملاها دانش‌آموزان خود را برای چندین سال مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌داده‌اند. بی‌جهت نیست که مدرسه‌های دینی در افغانستان یا پاکستان، همیشه کوشش می‌کنند دسترسی رسانه‌های مستقل به شاگردان خود را محدود یا ممنوع کنند. مدیران این مدرسه‌ها می‌دانند اگر وقایعی که در آن‌جاها جریان دارد، در اختیار همه‌گان قرار گیرد، زلزله‌ای سهمگین در عقاید مردم عوام روی می‌دهد.

مدرسه‌های دینی در پاکستان و افغانستان، عبارت‌اند از فضاهای بسته‌ای که مدیران آن کوشش می‌کنند ارتباط شاگردان آن را به بیرون به حداقل برسانند. از روزنامه و تلویزیون و انترنت در آن‌جاها خبری نیست. شاگردان حق ندارند به جز به همان سخنان تکراری استادان، به سخن دیگری گوش دهند. رهبران این مدارس برای برقراری نظم و دسپلین مورد نظر خود، حتا از خشونت هم کار می‌گیرند. اگر بخواهیم این مدارس را به اردوگاه‌های نظامی و تربیتی سازمان القاعده تشبیه کنیم، بی‌راه نگفته‌ایم. همه حرکات و سکنات دانش‌آموزان، زیر نظر استادان قرار دارد و باید از هر کاری که انجام می‌دهند، به استاد پاسخ دهند. در این مدارس سعی صورت می‌گیرد دانش‌آموزان و طلبه‌ها در معرض شست‌وشوی مغزی قرار گیرند و ایدئولوژی مورد نظر مدیران آن مدارس، به خورد آن‌ها داده شود. طبیعی است

جوان یا نوجوانی که پیوسته در معرض افکار خاص قرار گیرد و به فضاهای متفاوت رابطه نداشته باشد، به‌آسانی طعمه افکار خطرناک می‌شود و حاضر می‌شود در راهی که برایش ترسیم می‌کنند، تا آخر جلو برود. تمرکز بیش‌تر این مدارس بر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است، چون معلوم است که شست‌وشوی مغزی آن‌ها سهل و ساده است. هر قدرت سیاسی که روی کار می‌آید، برخی از ارزش‌ها و رفتارهای مورد پسند خود را ترویج و تبلیغ می‌کند. اکنون که گروه طالبان زمام امور را در دست گرفته، طبیعی است که ارزش‌ها و عادت‌های ویژه‌ای را در جامعه رواج می‌دهد. گروه طالبان در خشونت‌آفرینی و خون‌ریزی کارنامه پروریمان دارد. در فرهنگ طالبانی، خشونت در برابر زبردستان از جمله طبیعی‌ترین رفتارهاست و کار زشتی تلقی نمی‌شود. روزانه جنگ‌جویان طالبان، در برابر کراچی‌وان، حمال، دکان‌دار، متقاعد، دانشجو، گدا، مراجعه‌کننده به دفتر دولتی، جوانی که موی سرش را مطابق ذوق طالبان آرایش نکرده، زنی که در پارک نشسته و... با شیوه خشونت‌آمیز برخورد می‌کنند. در چنین فضایی، هر کس دستش برسد، در برابر ضعیف‌تر از خودش با خشونت عمل می‌کند. گزارش شده که اداره محلی طالبان، قاری قدرت‌الله را از بابت این رفتارش بازداشت کرده است. باید طالبان روشن کنند که چرا خشونت آن‌ها در برابر مردم، امری طبیعی و قانونی به حساب می‌آید، اما خشونت قاری قدرت‌الله کاری نادرست شمرده می‌شود. البته ممکن است این بازداشت، نمایشی بیش نباشد و برای اقناع افکار عمومی این نمایش به راه افتاده باشد.

مسلم است کودک و نوجوانی که با این شدت و

حدت و به‌صورت مداوم مورد خشونت قرار گیرد، پر از عقده‌های روانی می‌شود و وضع نورمالش را از دست می‌دهد. این کودک و نوجوان در آینده، در حالی که از عقده‌های متراکم رنج می‌برد، مجبور است در جامعه زنده‌گی کند. چنین شخصی با الگوبرداری از استاد یا پدرش، هر وقت فرصت یابد همان رفتاری را که استاد یا پدرش در حقش روا داشته، در حق دیگران روا می‌دارد و آن را رفتاری ناشایست و زشت نمی‌داند. به این ترتیب، چرخه خشونت نسل اندر نسل ادامه می‌یابد و به نسل‌های پیاپی آسیب می‌رساند و آدم‌های بیمار و سادیست و خطرناک، تحویل جامعه می‌دهد. معلوم نیست چه وقت این دور و تسلسل باطل پایان می‌یابد.

شاید بعضی از معلمان و استادان خشن، واقعاً در پی آن باشند که به دانش‌آموزان خدمت کنند و آن‌ها را به‌راستی آموزش دهند، اما چون از روش‌های جدید تعلیم و تربیه بی‌خبرند، به جای آن‌که وسمه بر ابرو بزنند، چشم را کور می‌کنند. بر افرادی که شغل معلمی را برعهده دارند، لازم است از آخرین نظریات تربیتی آگاه شوند و شیوه‌های جدید آموزش و پرورش را یاد بگیرند. اکنون مدت‌هاست که در جامعه‌های دیگر، آموزش و پرورش با استفاده از خشونت، کنار گذاشته شده و از متودهای تازه آموزشی استفاده صورت می‌گیرد. برخورد خشن با دانش‌آموزان، نه‌تنها موجب نمی‌شود درس را یاد بگیرند، بلکه سبب تفر آن‌ها از درس و تحصیل می‌شود. در جامعه‌ای همانند جامعه افغانستان که ضرورت شدید به تعلیم و سواد شهروندان دارد، متنفر کردن کودکان و نوجوانان از تحصیل، گناهی نابخشودنی است. این شیوه تعلیم و تربیت نه‌تنها نسل جوان را از آموزش محروم می‌کند، بلکه به روح و روان آنان لطمه می‌زند و نسلی به بار می‌آورد که افزون بر آن‌که برای ترقی و تعالی کشورش کاری از دستش برنمی‌آید، با گرایش به خشونت و سادیسم، آینده کشورش را تیره و تار می‌کند.

در مقام تحلیل برخورد خشونت‌آمیز استادان با شاگردان نمی‌توان از این نکته چشم پوشید که فرهنگ سنتی ما نیز رفتار خشن استاد در برابر شاگردان را امری پسندیده می‌پندارد. در فرهنگ سنتی، استاد در مقام پدر قرار دارد و از جایگاه متعالی برخوردار است. در این فرهنگ، استاد باید شاگردان را آزار بدهد، و گرنه شاگردان از اداره خارج می‌شوند: «استاد معلم چو بود کم‌آزار/ خرسک بازند کودکان در بازار». هر قدر استاد در حق شاگردش ستم روا داشت، حتماً مصلحتی در کار است: «جور استاد به ز مهر پدر».

در فرهنگ سنتی، بی‌احترامی به استاد از گناهان کبیره به حساب می‌آید و این نکته همیشه در گوش کودکان و نوجوانان خوانده می‌شود که استاد مالک مرگ و زنده‌گی شاگردانش است و برای تأیید ادعاهای خود از علی بن ابی طالب هم نقل می‌کنند که «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً (کسی که کلمه‌ای به من آموخت، مرا برده زرخرد خود ساخته است)». این رویکرد باید اصلاح شود و از آن‌جا که این بخش از فرهنگ سنتی آسیب‌رسان است، باید مورد نقد جدی قرار گیرد. شاگرد هم آدم است و باید به عواطف و احساسات و نیازها و دیدگاه‌هایش احترام گذاشته شود. قدرت مطلق به استاد دادن، تبعات ویرانگر دارد و باید جلو آن گرفته شود. باید شاگرد حق داشته باشد در برابر استاد بایستد و اگر لازم شد رفتار یا دیدگاه‌هایش را نقد کند و این امر نباید به معنای بی‌احترامی شناخته شود.



معنای واقعی رنج؛

پنج سال در آتش

لیلا را عزیزترین کسانش به این روز رسانده‌اند. خواسته‌های خودخواهانه پدر و برادرش او را به درخت خشک و بی‌برگی تبدیل کرده است که بهار و شگفتن از نو برایش افسانه‌ای بیش نیست. او بارها به پدر و برادرش عذر کرده است تا او را از مردی که هیچ رحمی به حالش ندارد، نجات دهند، اما در عوض هر دو به او گوش زد کرده‌اند که دیگر در خانه پدر برای وی جایی نیست. او زنده‌گی شاد نوجوانی را بر جفای روزگار باخته است.

کیم بهینا

سال‌هاست که طعم تلخ رنج زنده‌گی‌ای را می‌چشد که عزیزانش بر وی تحمیل کرده‌اند؛ رنجی که وی را بارها به دام مرگ تدریجی کشانده است. وقتی حرف از روزگار سیاهش می‌شود، سخنانش بوی ناامیدی می‌دهد و ترس از شکنجه شوهر در وجودش رخنه می‌کند. زنده‌گی‌اش در مدار دردی می‌چرخد که رهایی از آن تاوان دارد. تاوان این رهایی، «خراب» شدن خانه برادرش است؛ زیرا او را در بدل زن برادرش به شوهر داده‌اند. روزها و شب‌ها را از ترس این‌که به خواسته‌های شوهرش تن نداده و کارد بُران او رگ گردنش را ببرد، سپری می‌کند. شوهرش مردی بی‌رحم است که بارها به او گوش زد کرده است که در صورت عدم اطاعت، او را خواهد کشت و جنازه‌اش را بدون این‌که کسی باخبر شود، زیر آوارهای خاک دفن خواهد کرد. واهمه کشته شدن از سوی شوهر و بی‌مادر شدن فرزندانش، او را واداشته است تا به هر خواست او تن دهد.

لیلا را عزیزترین کسانش به این روز رسانده‌اند. خواسته‌های خودخواهانه پدر و برادرش او را به درخت خشک و بی‌برگی تبدیل کرده است که بهار و شگفتن از نو برایش افسانه‌ای بیش نیست. او بارها به پدر و برادرش عذر کرده است تا او را از مردی که هیچ رحمی به حالش ندارد، نجات دهند، اما در عوض هر دو به او گوش زد کرده‌اند که دیگر در خانه پدر برای وی جایی نیست. او زنده‌گی شاد نوجوانی را بر جفای روزگار باخته است. اعضای خانواده‌اش پشت او را خالی کرده و او را به دست مردی سپرده‌اند که جز لذت بردن از جسم بی‌رمقش، هیچ چیزی از زنده‌گی پس از ازدواج نمی‌داند. او اکنون از کلمه ازدواج متنفر است؛ زیرا همین واژه سرنوشت شومی را برایش رقم زده است.

زنده‌گی لیلا (نام مستعار) زمانی تبدیل به جهنم جان‌سوز شد که پدرش به اجبار او را در بدل معشوقه برادرش به چهاردیواری خانه شوهر سپرد؛ چهاردیواری‌ای که در تاریکی آن جز بدبختی نصیبش نشد. او در آن زمان نوجوانی بیش نبود. دستانش تازه از عروسک‌های دست‌ساخته مادرش جدا و در حال دل‌کندن از دنیای بی‌دردسر کودکی بود. تا به خود فهمیده و واژه «ازدواج» رنگ از رخسار روده بود، او را به شوهر دادند. اکنون ۲۰ ساله است و دو فرزند دارد؛ فرزندی که سبب شده است او همه دردها را به خاطر آنان تحمل کند تا فرزندانش همانند او از آغوش مادر بی‌رحمانه جدا نشوند.

تصمیم عجولانه و نامنصفانه خانواده‌اش روزهای شاد نوجوانی لیلا را به زخم ناسور تبدیل کرده است. با این‌که چیزی در مورد زنده‌گی پس از ازدواج نمی‌دانست، عروس شد. روزی که عقد او را در بدل زن برادرش می‌خوانند، او بارها به پای برادر و پدرش می‌افتد تا او را به این زودی به کسی که هیچ شناختی از او ندارد، به شوهر ندهند؛ اما آنان هیچ اعتنایی به ضجه و زاری او نمی‌کنند. در عوض برادرش می‌گوید: «تو کی است که نمی‌خواهی ازدواج کنی. دلت را به پسران بی‌بندوبار خوش کرده‌ای. مگر بهتر از این گیرت می‌آید؟» این جملات هنوز آویزه گوشش شده است و به خاطر همین گفته‌های به ظاهر قناعت‌بخش، هیچ‌گاهی نمی‌تواند برادرش را ببخشد.

لیلا تا قبل از ازدواج، همواره تلاش می‌کند خانواده‌اش را راضی به فسخ نامزدی‌اش کند، اما برادرش به خاطر این‌که معشوقه‌اش را از دست ندهد، بارها پدرش را مجبور می‌کند تا به حرف‌های او اعتنا نکند؛ زیرا با فسخ نامزدی خواهر و برادر زنش، خانواده معشوقه‌اش نیز حاضر نمی‌شد دخترش را به او بدهد. برادرش او را قربانی خواسته‌های خود می‌کند و به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شود رابطه‌ای که براساس جبر گره خورده است را از هم بگسلد.

ابر سیاه سیل‌آسا زمانی بر زنده‌گی لیلا سایه می‌اندازد که عقد او را با پسری که هیچ‌گاه ندیده‌اش، می‌خوانند. از آن روز به بعد، رسماً بدبختی‌اش آغاز می‌شود؛ زیرا نامزدش در آن مدت منتظر فرصتی می‌ماند تا در حق لیلا کاری کند که دیگر نتواند از او جدا شود. او با استفاده از فرصت، زمانی که کسی در خانه نیست، وارد اتاق لیلا می‌شود و بالای او که هنوز قبولش ندارد، تجاوز جنسی می‌کند: «مادرم خانه نبود و همه بیرون رفته بودند. نمی‌دانم چگونه باخبر شده بود. خانه ما آمد. من هم با دیدن او تصمیم گرفتم تا برایش بگویم که او را نمی‌خواهم، اما وقتی حرفم را شنید، از

قهر و غضب رنگش سرخ شد و به زور بالايم تجاوز جنسی کرد.» بعد آن روز لیلا چهره واقعی و ترسناک مردی را که قرار بود چند روز بعد شوهرش شود، می‌شناسد. بارها این موضوع را به مادرش می‌گوید، اما او قبول نمی‌کند و در عوض خودش را مقصر آن وضعیت و آن تجاوز جنسی می‌داند. با بی‌اعتنایی مادر، او آخرین حمایت‌گرش را نیز از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند «دهن باز کند». بدون هیچ سخنی، بدبختی‌اش را تماشا می‌کند و بر سرنوشت سیاهی که عزیزانش برای او تدارک دیده بودند، مهر تسلیمی می‌کوبد.

چند روز بعد از آن اتفاق، مراسم ازدواج برگزار می‌شود. آن روز، همه در غم او شادند و رقص و پای‌کوبی برپا کرده‌اند. تنها کسی که از روزگار سیاه بعد عروسی باخبر بود و برای آغاز آن بدبختی اشک چشمانش خلاصی نداشت، خود عروس بود: «همه‌گی متوجه بی‌قراری و چهره افسرده‌ام شده بودند. با خود می‌گفتند چرا غم‌زده است. گاهی دوستانم می‌آمدند و از من می‌پرسیدند که چرا حالت گرفته است.» دوستانش از دل بی‌قرار و افتادن او به دام کسی که نه تنها مهر و محبت یک شوهر را به همسرش هدیه نمی‌دهد، بلکه رفتار انسانی و قابل‌پذیرشی هم ندارد، بی‌خبرند. لیلا نیز از ترس نمی‌تواند دهن باز کند. او هنوز به سن قانونی هم نرسیده است و کودکی بیش نیست. نمی‌داند که در صورت دهن باز کردن و از اتفاقی که افتاده و رفتار شوهرش سخن گفتن، چه بلایی بر سر او می‌آورد. با این حال، خوب می‌داند که در آن صورت، دیگر جایی در خانه پدر ندارد. به همین دلیل، ترس‌ها و رنج‌هایش را فرو می‌بلعد و دهانش را می‌بندد، اما آن رنج‌ها و نگرانی‌ها در صورتش خودنمایی می‌کند.

چهار نفر در آن مراسم به یک‌دیگر قول می‌دهند تا آخر عمر به هم وفادار می‌مانند و در غم و خوشی یک‌دیگر شریک می‌باشند، اما از میان این چهار نفر کسی که هیچ‌گاه روز خوش نمی‌بیند و زنده‌گی‌اش بر پایه دروغ بنا شده است، لیلاست. شوهرش



به قولی که برای او داده بود، عمل نکرد. نه او را خوش‌بخت کرد و نه نسبت به او وفادار ماند. او را با چشمان گریان و حالت پریشان راهی خانه شوهر کردند؛ جایی که شاهد سیاه‌ترین روزها بوده است. شوهرش تا او را به خانه می‌برد، زیر مشت و لگد می‌گیرد و انتقام روزهایی که باهم نامزد بودند و لیلا به حرف‌هایش توجه نکرده بود را می‌گیرد. او را در چهاردیواری خانه‌اش زندان می‌کند تا هیچ کسی جز او، نبیندش. یک سال از زنده‌گی رقت‌بارش می‌گذرد و رفتار شوهرش هر روز خشن‌تر از روز قبل می‌شود. در آن مدت لیلا از همه کارهای بد شوهرش نیز آگاه می‌شود و می‌داند که او با زنان دیگر نیز رابطه نامشروع دارد. با این‌که خودش گرفتار این خیانت است، اما همواره لیلا را بدکاره خطاب می‌کند. می‌گوید: «حتا حق ندارم به دکانی که دو قدم به خانه ما فاصله دارد، بروم. اگر بروم و باخبر شود، دستم را گرفته و نزد دکان‌دار می‌برد و می‌گوید که هر دوی شما چه کار کردید.» او با مردی هم‌خانه شده است که خودش بدون هیچ شرمی اعتراف به کارهای ناپسندش می‌کند و با افتخار به لیلا می‌گوید که او مرد است و هر کاری که بخواهد، می‌تواند انجام دهد.

لیلا روزها و شب‌ها را در انتظار روزی می‌گذراند که بتواند از دست شوهرش رهایی یابد؛ زیرا شکنجه و گمانه‌زنی بد او را پایانی نیست. آن قدر منتظر آن روزهای خوش می‌ماند تا این‌که حامله می‌شود و دیگر راه گریز از زیر شکنجه شوهر را نیز گم می‌کند. خانواده‌اش بعد از حامله شدنش، حاضر نمی‌شود او را با فرزندش از آن شوهرش جدا سازد و به خانه برگرداند. دیگر لیلا مانده است و روزگار سیاهی که پایانی ندارد. اکنون دو فرزند دارد و دلش به آن دو گرم است. حالا برای او یک آرزو مانده است؛ این‌که روزی فرزندانش بزرگ شوند و او را از غم‌سرای پدرشان نجات دهند. او می‌خواهد زمانی که پسرش بزرگ شد، به او یاد بدهد که هیچ‌گاه مثل پدرش ظالم نباشد و زنده‌جان مظلومی را با شکنجه‌های روحی و جسمی زنده به گور نکند.



و می‌افزایند که طالبان بیشتر این افراد را به خاطر گرفتن «پول و اسلحه» بازداشت می‌کنند، اما پس از «باج‌گیری» دوباره آزاد می‌سازند.

شماری از باشندگان ولایت‌های شمال کابل دلیل بازداشت غیرنظامیان و نظامیان حکومت پیشین از سوی طالبان را «باج‌گیری» این گروه عنوان کرده

طالبان دو باغبان مقبره احمدشاه مسعود را بازداشت کردند

و می‌گویند که آنان از گذشته‌ها تا کنون مسوولیت آبیاری چمن و باغ‌های محوطه مقبره احمدشاه مسعود را برعهده داشتند.

آنان از باشندگان مرکز و دره عبدالله‌خیل پنجشیر هستند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که طالبان از چند روز به این‌سو، روند بازداشت باشندگان پنجشیر را در بخش‌های مختلف کشور افزایش داده‌اند.

۸صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر از بازداشت دو تن از باغبانان مقبره احمدشاه مسعود از سوی طالبان خبر می‌دهند.

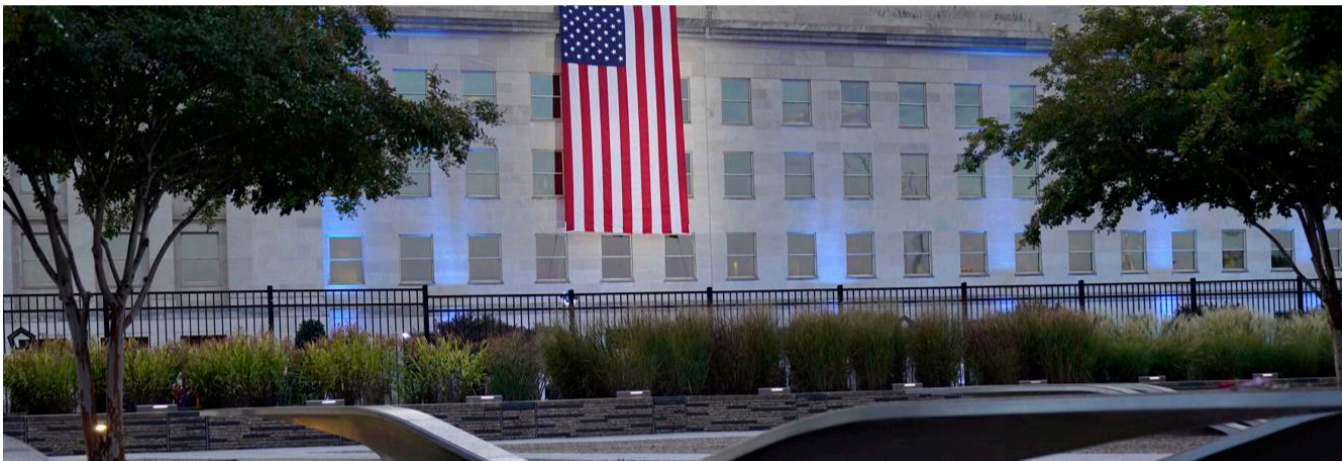
منابع روز جمعه، ۲۴ سنبله، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان این افراد را از چند روز به این‌سو بازداشت کردند، اما از سرنوشت‌شان تا کنون خبری در دست نیست.

منابع از این افراد مظلوم‌الدین و عبدالهادی نام برده

۲۲ سال پس از حملات یازدهم سپتامبر؛

«القاعده» در چه وضعی قرار دارد؟

سازمان القاعده در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد، هرچند ضعف آن به معنای نابودی کلی آن نیست. بهترین گزینه برای اثبات ضعف این سازمان، این است که بیش‌تر از یک سال است که این سازمان رهبر رسمی و اعلام‌شده ندارد؛ از زمانی که امریکایی‌ها رهبر آن را در مخفی‌گاهش در کابل به وسیله حمله هوایی از بین بردند. همچنین قبل از آن، امریکایی‌ها در ۲۰۱۱ اسامه بن لادن را در مخفی‌گاهش در پاکستان به قتل رساندند. در فاصله میان این دو تاریخ، استراتژی جنگ علیه تروریسمی که امریکا و هم‌پیمانانش پس از یازدهم سپتامبر اعلام کردند، ده‌ها تن از رهبران اصلی القاعده را که برای مدتی طولانی از چهره‌های برجسته این سازمان به حساب می‌آمدند (از جمله ابو حفص المصری، ابو یحیای اللیبی، عطیة الله اللیبی... طبعاً فهرست طولانی است) از میان برداشت.



کتاب منبع: الشرق الاوسط

کتاب برگردان: روستایی

سپتامبر دست داشتند، دستگیر کند. اکنون آن‌ها سال‌هاست که در زندان گوانتانامو در کوبا در انتظار محاکمه به سر می‌برند. برجسته‌ترین این افراد، خالد محمد الشیخ است که گفته می‌شود «مغز متفکر» حملات یازدهم سپتامبر بوده است.

پس از کشته شدن الظواهری، سازمان «القاعده» در سکوت کامل به سر می‌برد؛ نه کشته شدن وی را تأیید می‌کند و نه تکذیب. همچنان جانشین او را نیز معرفی نکرده است، هرچند اکثریت ناظران به این باورند که امیر کنونی القاعده، سیف العدل، از رهبران مصری این سازمان است که چندین سال است در ایران زنده‌گی می‌کند. می‌توان گفت که سیف العدل یگانه نام شناخته‌شده از رهبران سابقه‌دار القاعده است که تا هنوز زنده مانده است.

خاموشی رهبری فعلی القاعده همزمان با گزارش‌های مختلفی است که نشان می‌دهد «القاعده» دوباره در حال مستقر شدن در افغانستان است و اعضای آن، با خانواده‌های خود به این کشور انتقال یافته‌اند. براساس اطلاعات رسیده، گروه طالبان پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در سال ۲۰۲۱، از مهمانان جدیدش حمایت می‌کند. البته این گروه به امریکا تعهد سپرده که به مهمانانش اجازه نمی‌دهد از افغانستان برای سازمان‌دهی حملات علیه اهداف خارجی استفاده کنند. تا کنون نشانه‌ای وجود ندارد دال بر این که طالبان به این تعهد خود عمل نکرده‌اند؛ هرچند تا هنوز زود است بدانیم که آیا «القاعده» بازهم همانند دهه نود میلادی می‌خواهد دولتی در درون دولت باشد و بدون اجازه طالبان، دست به فعالیت‌های تروریستی بزند یا خیر.

به رغم آن‌که امریکایی‌ها پس از کشتن ایمن الظواهری در کابل، این اطلاعات را رسانه‌ای رساختند که شخص یادشده در حمایت شبکه حقانی قرار داشت، اما واقعیت آن است که اعضای القاعده که به‌تازگی به افغانستان برگشته‌اند، فقط در مناطقی که شبکه حقانی در آن نفوذ گسترده دارد، زنده‌گی نمی‌کنند، بلکه در قندهار و ولایت‌های همجوار آن نیز به سر می‌برند. معنای این موضوع این است که حضورشان در افغانستان به اجازه رهبر طالبان صورت گرفته است، مشروط به آن‌که در سازمان‌دهی حملات تروریستی با استفاده از افغانستان سهم نداشته باشند.

شاخه‌های القاعده

وضعیت رهبری القاعده که چنین باشد، شاخه‌های این سازمان نیز در وضع مشابهی قرار دارند. در میان شاخه‌های سازمان یادشده، شاخه ساحل افریقایی آن، فعال‌تر به نظر می‌رسد. حکومت‌های این منطقه که غرق در فقر و فلاکت‌اند، به نظر می‌رسد که توان از بین بردن خطر القاعده و نیز رقیب آن، داعش، را در صحرای بزرگ ساحل افریقا ندارند.

واقعیت آن است که ناتوانی این کشورها موضوع جدیدی نیست، اما با توجه به دومینوی کودتاهای نظامی که همه کشورهای منطقه، از جمله مالی و بوركینافاسو و نیجر را درنوردیده، ناتوانی این کشورها آشکارتر شده است. این سه کشور، محور فعالیت‌های القاعده را در این منطقه از جهان تشکیل می‌دهند.

این کشورها دست‌کم از سال ۲۰۱۲ از حمایت آشکار فرانسه بهره‌مند بوده‌اند. در اول، فرانسه در مالی مداخله کرد تا جلو فروپاشی دولت را در برابر یورش و فشار گروه‌های مسلح، از جمله القاعده، بگیرد؛ گروه‌هایی که بعد از آشفته‌گی‌ای که در لیبیا پس از سقوط حکومت معمر القذافی در یک سال قبل رونما شده بود، انبارهای خود را از سلاح و مهمات انباشته بودند. مداخله فرانسه در مالی، پیش‌روی گروه‌های افراطی را مختل کرد، اما نتوانست به نابودی کلی القاعده منجر شود. این سازمان در مناطق دوردست فعالیت دارد و هرازگاهی حملات خونین را بر ضد نیروهای حکومتی راه می‌اندازد. کاهش نقش آفرینی فعالانه فرانسه در جنگ علیه گروه‌های افراطی در سال‌های پسین، خشم و سرخورده‌گی محافل نظامی در کشورهای ساحل افریقا را برانگیخته و سبب شده که از گروه روسی «واگنر» در این زمینه کمک بخواهند. آمدن گروه‌های مزدور مربوط به واگنر، سبب شد که از حضور فرانسوی‌ها کاسته شود. فرانسوی‌ها در کنار آن‌که خود از ظرفیت بزرگ نظامی برخوردار بودند، مورد حمایت همه‌جانبه امریکا نیز قرار داشتند. می‌دانیم که امریکایی‌ها و فرانسوی‌ها در نیجر پایگاه‌ها و میدان‌های هوایی نظامی داشتند.

روشن است که با توجه به وقوع کودتاهای پی‌درپی نظامی در این منطقه از جهان و نیز کاهش حضور نظامی فرانسه و امریکا و همچنین ضعف امکانات «واگنر» پس از کشته شدن رهبر آن، یوگنی پریگوژین، کشورهای منطقه ساحل افریقا با بی‌سروسامانی شدید امنیتی مواجه خواهند شد و

از این حالت، «القاعده» و سازمان‌های شبیه آن و از جمله داعش کمال استفاده را خواهند برد.

در شرق کشورهای عربی، به نظر می‌آید که سازمان «القاعده» بیش از هر زمان دیگری دچار ضعف و فتور شده است. داعش موفق شد القاعده را در عراق از بین ببرد. نیز شاخه آن در سوریه، که جبهه النصره نامیده می‌شد، اعلام کرد که با آن قطع رابطه کرده و نامش را به «هیات تحریر شام» تغییر داد. با آن‌که گروهی به نام «حراس الدین (پاسداران دین)» تا هنوز هم خود را وفادار به القاعده می‌شمارد، اما حوزه فعالیت آن، محصور به شمال غرب سوریه است؛ جایی که بازیکر اصلی در آن، هیات تحریر شام است.

در منطقه خلیج، در حال حاضر فعالیت سازمان القاعده منحصر در برخی مناطق یمن است و در آن‌جاها هرازگاهی حملات مسلحانه را سامان می‌دهد و دست به گروگان‌گیری در برابر پول می‌زند. با آن‌که حضور نظامی القاعده در یمن، ضعیف است، اما تبلیغات رسانه‌ای آن چشم‌گیر است. قراین حاکی است که پیوند شاخه یمن القاعده با سازمان مادر، در مقایسه به دیگر شاخه‌ها نیرومندتر و مخصوصاً رابطه آن با امیر فعلی القاعده، سیف العدل، استوارتر است. در گذشته، القاعده در مصر و به‌ویژه در شبه‌جزیره سینا حضور گسترده داشت، اما اکنون این سازمان در آن منطقه در نهایت ضعف قرار دارد. افراد مسلح در شبه‌جزیره سینا، پس از نیرو گرفتن داعش در دوران رهبری ابوبکر بغدادی در سال ۲۰۱۴، وفاداری خود را به داعش اعلام کردند، اما حالا در منتهای ضعف قرار دارند و نیروهای نظامی مصر توانستند آنان را از پایگاه‌های سابق‌شان برانند و تا حد زیادی امنیت را به شبه‌جزیره سینا برگردانند. همچنین شاخه القاعده در شاخ افریقا در وضعیت دشواری قرار دارد، چون «حرکت شباب» در سومالی روزبه‌روز حضورش در مناطقی که در گذشته در آن‌جاها حضور داشت، کاهش می‌یابد و نیروهای نظامی حکومت سومالی که از حمایت نیروهای هوایی امریکا برخوردارند، توانسته‌اند نیروهای القاعده را تضعیف کنند.

در سایه وضعیت دشواری که سازمان القاعده و شاخه‌های آن در سراسر دنیا با آن مواجه‌اند، به نظر می‌رسد که حملات «گرگ‌های تنها» که در سال‌های گذشته شیوع یافته بود، هنوز هم ابزار اصلی‌ای است که هم القاعده می‌تواند از آن استفاده کند و هم دشمن آن، داعش.

خشکسالی در بادغیس...

این باشند بادغیس تصریح کرد که به همین دلیل در جریان سال جاری قرض‌دار نیز شده است. وی گفت: «کشت و زراعت امسال مصرف خود را پیدا نکرد، از پول تخم گرفته تا پول تراکتور، دروگری و عشر. وقتی حساب کنیم، مجبور از کیسه خود بدهیم یا قرض کنیم. شرایط بسیار خراب آمده است. اگر ما مردم کشت و زراعت هم نکنیم، دیگر چاره نداریم. با وجودی که خشکسالی هم آمده، از بیکاری خود را به کشت و زراعت مشغول می‌کنیم.»

بادغیس به داشتن خربوزه در حوزه غرب کشور نیز شهرت دارد. زمین‌داران و کشاورزان این ولایت اما می‌گویند که حاصلات این میوه نیز امسال به‌گونه بی‌پیشینه کاهش یافته است. شماری از زمین‌داران و کشاورزان در ولایت بادغیس به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که به دلیل خشکسالی‌های پیهم و نباریدن باران، حاصلات خربوزه در این ولایت حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است. به گفته آنان، همه‌ساله به دلیل افزایش حاصلات، آنان خربوزه بادغیس را به ولایت‌های همجوار، به‌ویژه هرات صادر می‌کردند، اما امسال به دلیل نبود حاصلات، خربوزه این ولایت کم‌تر به ولایت‌های دیگر صادر خواهد شد.

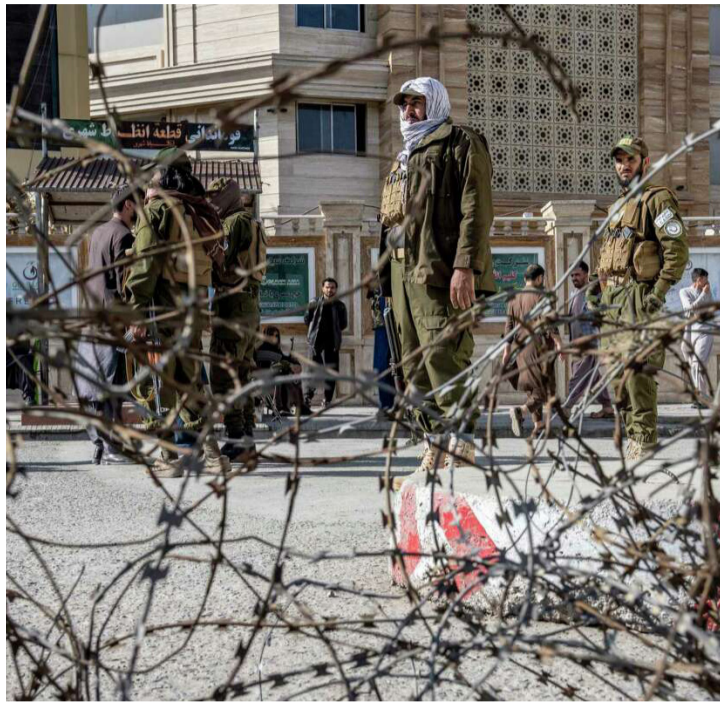
محمد، یکی دیگر از زمین‌داران در ولایت بادغیس، می‌گوید که همه‌ساله خربوزه‌ای که از زمین‌هایش برداشت می‌کرد، علاوه بر فروش در شهر قلعه نو، آن را برای فروش به هرات نیز می‌فرستاد. با این حال، وی امسال نتوانسته است از زمین‌هایش خربوزه‌ای برای فروش به دست آورد. این باشند شهر قلعه نو می‌گوید: «سال‌های پیش خیلی خوب بود، حاصلات زیاد بود و هر جولیگی چهار تا پنج تا خربوزه داشت؛ اما امسال هیچ چیز نیست. حتا بعضی جولیگ‌ها یک خربوزه درست هم حاصل ندهاده است. باران هم امسال نبارید و چند سال است که پیهم خشکسالی شده است. بدتر از همه این که آفت‌ها زیاد شده و در زیر پالیزها کرم افتاده است. جولیگی‌هایی که یک خربوزه حاصل داده، همان را هم کرم زده است.»

به گفته محمد، کاهش جدی حاصلات امسال برای او و سایر دهقانان نگران‌کننده است. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «تا یکی دو سال جلوتر خودم از همین زمین خربوزه به قلعه نو برای فروش می‌بردم. به قوم و همسایه که داشتیم، خربوزه می‌دادیم. از بس که حاصل خوب بود، از همین زمین‌های خود موثر بار می‌زد، به هرات روان می‌کردم و آن‌جا می‌فروختم. امسال همین پیش‌خورده‌گی خود ما را هم نشد.»

در همین حال، طالبان در بادغیس نیز کاهش محصولات زراعتی در این ولایت را می‌پذیرند و می‌گویند که به علت خشکسالی‌های پیهم در افغانستان، به‌ویژه در بادغیس، حاصلات کاهش یافته است. محی‌الدین بشری، سرپرست ریاست زراعت، آبیاری و مالداری طالبان در بادغیس، می‌گوید که خشکسالی‌های پنج تا شش‌ساله در افغانستان، تأثیرات منفی روی زراعت گذاشته است و این تأثیرات در ولایت بادغیس به دلیل این که زمین‌ها در این ساحه اکثراً للمی است، بیش‌تر احساس می‌شود. به گفته بشری، سال‌هایی که باران‌های فصلی در بادغیس بیش‌تر باشد، دهقانان از برداشت حاصلات راضی‌اند؛ اما نباریدن باران‌های فصلی مانند امسال سبب کاهش بی‌پیشینه محصولات زراعتی می‌شود. او افزود که حاصلات گندم در بادغیس حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است و سایر محصولات نیز با توجه به نباریدن باران، وضعیت مشابهی دارد.

پیش از این، کشاورزان در سایر ولایت‌ها نیز از بابت خشکسالی‌های پیهم ابراز نگرانی کرده بودند. به گفته آنان، بیش‌تر کشاورزان به علت نبود آب مجبور شده‌اند کشاورزی را ترک کنند و برای به دست آوردن لقمه‌ای نان به کارهای دیگر روی آورند. گفتنی است که سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی پیش‌تر از احتمال خشکسالی پیهم و کاهش بی‌پیشینه حاصلات در افغانستان هشدار داده بودند.

حقوق بشری در افغانستان زیر کنترل طالبان



کج اتل سالار هاشمی

داده نمی‌شود، به بهانه‌های مختلف بازداشت می‌شوند و طالبان به آنان وحشیانه مجازات می‌کنند.

پس از سقوط نظام جمهوری در کشور، حاکمیت دوباره طالبان کابوس سال‌های گذشته را تازه کرد. آنان نه‌تنها بر رویکرد قبلی خود غالب نشده‌اند؛ بلکه برای عملی کردن همان رویکردشان کمر بسته‌اند. طالبان از روز اول حاکمیت‌شان با غیرشرعی خواندن نظم اساسی جمهوری پیشین و سایر قوانین، آن‌ها را لغو و ادعا کردند که امور رژیم را در روشنایی قانون اسلامی و رسوم افغانی به پیش می‌برند. طالبان به کار کمیسیون مستقل حقوق بشر پایان دارند. قانون نظارت از رسانه‌ها را نیز لغو کردند. مجلس نماینده‌گان و مجلس سنا در نظام‌شان جای ندارد؛ زیرا این‌ها پدیده‌های غربی هستند. آنان به جای آن شورای حل و عقد ملاها را دارند و امور رژیم‌شان را توسط فرمان‌ها امیرشان سرپرستی می‌کنند. پس از برداشتن این گام‌ها، آنان قتل‌های خودسرانه را در کشور انجام دادند و بیش از ۲۰ نوع محدودیت را بر زنان وضع کردند که منع آموزش و منع کار را نیز شامل می‌شود.

به تازه‌گی سازمان ملل در مورد حقوق بشری در افغانستان موقف‌گیری کرده است. بی‌بی‌سی پشتو در یک گزارش تازه نوشته است: «ملل متحد می‌گوید که وضعیت حقوق بشری در افغانستان فاجعه‌بار است و طالبان را به ظلم تکان‌دهنده علیه زنان و دختران متهم کرده است. این صحبت را وولکر تورک، مسوول اداره حقوق بشر سازمان ملل متحد روز گذشته در نشست شورای حقوق بشر در جینوا مطرح کرده است که در آن، گزارش حقوق بشری ماه مارچ تا اگست سال جاری نیز ارایه شد. در گزارش از عقب‌گرد سیستماتیک حاکمیت قانون و حقوق بشری، به‌ویژه حقوق زنان و دختران نیز یادآوری شده است.»

این گزارش ثابت می‌کند که ادعای قانونی و شرعی بودن طالبان دروغ است. اصلاً رژیم طالبان هیچ‌گونه قانون ندارد. این‌جا خودسری و غیرقانونی است. زنان زیر نام دین و فرهنگ از تعلیم محروم می‌شوند، وظایف‌شان متوقف می‌شود، اجازه بیرون رفتن از خانه برای‌شان

افزایش یافته است. برخی افراد سپس اعتراف کرده‌اند که شماری از فرماندهان طالبان آنان را برده‌اند و بر آنان روزهای پیهم تجاوز کرده‌اند. همین‌گونه دختران را برای اشاع خود اختطاف می‌کنند و گزارش‌های آن به رسانه‌ها رسیده است.

از آن‌جایی که کمیسیون نظارت از حقوق بشر در کشور وجود ندارد، قانون اساسی و سایر قوانین لغو شده است، رسانه‌ها آزاد نیستند و سانسور شده‌اند. هیچ فردی حق نقد را ندارد و اگر برایش اجازه نیز داده شود، تنها به توصیف طالبان، چاپلوسی و لابی کردن به این گروه اجازه است. در غیر آن حق خواستن در حاکمیت طالبان جرم پنداشته می‌شود. پس درب نقض حقوق بشری در حاکمیت طالبان باز است. با سینه باز حقوق بشری را زیر پا می‌کنند و اندیشه این را نیز ندارند که روزی از آنان حساب گرفته خواهد شد و جهان بر آنان تحریم‌های اقتصادی و سیاسی وضع خواهد کرد. کاش جهان در مورد مردم افغانستان صادقانه عمل می‌کرد. حقوق بشری آنان بسیار به‌گونه بدی نقض می‌شود، چنانچه آنان در گزارش‌ها به آن یادآوری می‌کنند. واقعیت‌هایی را که این‌جا افغان‌ها می‌بینند را ما با چشمان خود می‌بینیم. تنها بخش کوچکی از آن در گزارش‌های ملل متحد و سایر سازمان‌ها انعکاس می‌یابد. به گفته پشتون‌ها، زمینی می‌سوزد که روی آن آتش روشن باشد. اگر این گزارش با واقعیت‌های میدانی مقایسه شود، آن‌گاه مردم خواهند دانست که جهان تنها از درصد کمی از جرایم انجام شده آگاه می‌شود. پس همه این موارد در عقب پرده و به‌گونه پنهانی بر مردم صورت می‌گیرد.

اگر ظلم، وحشت، بی‌قانونی، خودسری و احترام نکردن به قوانین و ارزش‌ها همین‌گونه از سوی طالبان ادامه یابد، این ملت نیم‌جان به‌زودی به حالت کوما خواهند رسید. حقوق میلیون‌ها فرد در کشور به آنان داده نمی‌شود. یک گروه بدماش، ضد بشری و غیرقانونی در کشور حاکم است و همه حقوق مردم را از آنان گرفته است. نه اصول بین‌المللی را می‌پذیرند، نه با مردم راه می‌آیند و نه با جهان. همان چیزی که می‌خواهند را انجام می‌دهند. با توجه به این، گزارش ملل متحد تنها بخش کمی از واقعیت‌هایی که اتفاق می‌افتند را منتشر می‌کند. از بیشتر ناملایمتی‌ها پرده برداشته نمی‌شود که طالبان با ملت افغانستان انجام می‌دهند.

به واقعیت نیز در غیرقانونی، خودسری و بدماشی بیشتر از این توقع نمی‌توان داشت. یک فردی که هیچ اصولی برای رژیم خود ندارد، وی چگونه به حقوق بشری احترام کند؟ ملل متحد ناحق از این‌گونه گروه‌ها می‌کند؛ گروهی که نه این سازمان را به رسمیت می‌شناسد، اصول را نمی‌پذیرد و همه موارد را نیز تنها از عینک خود می‌بیند؛ آن‌گونه که برای‌شان ۱۰۰ درصد واقعیت به نظر می‌آید.

در عصر تکنالوژی و آزادی بیان توقع ما این است که نقض حقوق بشری رژیم طالبان توسط سازمان‌های بین‌المللی به‌گونه درست آن مستند و معلومات واقعی در مورد ظلم و وحشت به جهان ارایه شود. آن‌گاه چهره اصلی طالبان معلوم می‌شود، اما تا حال آن‌گونه نشده است که توقع می‌رفت.

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۸۷۹۹

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل

مدیرمسوول: محمد محق

سرمدیر: حسیب بهش

دبیر تولید: محمد نوید جویا

خبرنگار ارشد: امین کاوه

Sanjar.sohail@8am.media

Mohammad.moheq@8am.media

Hasib.bahesh@8am.media

۸ صبح

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین گفته که هدف روسیه توسعه روابط خود با کوریای شمالی است. پسکوف روز پنجشنبه، ۱۴ سپتامبر، در یک نشست خبری در مسکو با تاکید بر همکاری های نظامی و فنی دو کشور در حوزه های مختلف گفته است: «کوریای شمالی همسایه ما است و هدف ما توسعه روابط در همه زمینه های ممکن است و این کار را انجام خواهیم داد.» به گفته وی، همکاری میان دو کشور در هر زمینه توسعه خواهد یافت. سخنگوی کاخ کرملین اضافه کرده است که سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در ماه اکتوبر سال روان میلادی به پیونگ یانگ سفر خواهد کرد.

نظامیان پاکستانی مدعی کشتن سه عضو داعش در پشاور شدند

به دنبال افزایش رویدادهای امنیتی در پاکستان، اداره مبارزه با تروریسم خیبر پختونخوا (CTD) ادعا کرده که نیروهایش سه عضو شاخه خراسان داعش را در یک درگیری کشته اند. خراسان دبری روز جمعه، ۱۵ سپتامبر، به نقل از بیانیه اداره مبارزه با تروریسم خیبر پختونخوا این خبر را منتشر کرده است. این اداره گفته که اعضای داعش پس از آن که در ساحه فقیرآباد پشاور به سمت نیروهای پولیس این کشور تیراندازی کردند، در درگیری متقابل کشته شدند. به گفته اداره مبارزه با تروریسم خیبر پختونخوا، افراد کشته شده در قتل های هدفمند اطراف پشاور دست داشته اند. در کنار تحریک طالبان پاکستانی، شاخه خراسان داعش یکی از تهدیدات جدی امنیتی برای اسلام آباد تلقی می شود. چندی پیش داعش مسوولیت انفجار در یک تجمع عالمان دین پاکستانی را برعهده گرفت. در انفجار بر تجمع حزب «جمعیت علمای پاکستان» در باجویر ایالت خیبر پختونخوا ۵۴ تن کشته و حدود ۲۰۰ تن زخمی شدند.

زمان سوخت های فسیلی به پایان رسیده است؛ معترضان در ۵۴ کشور به تغییرات آب و هوایی اعتراض می کنند



به دنبال افزایش گرمای زمین در پی ادامه استفاده از سوخت های فسیلی قرار است صدها هزار معترض در ده ها کشور دست به اعتراض بزنند. رویترز گزارش داده که معترضان از روز جمعه، ۱۵ سپتامبر تا یکشنبه هفته پیش رو ۵۰۰ تجمع اعتراضی در ۵۴ کشور جهان به تغییرات اقلیمی راه اندازی خواهند کرد. خواست اصلی این معترضان پایان دادن به استفاده از سوخت های فسیلی است که بخش زیادی از تغییرات آب و هوایی را منجر می شود. سازمان دهنده گان این اعتراضات جهانی انتظار دارند تا خواست شان در کنفرانس آینده تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار گیرد. میتز جوتل تان، فعال آب و هوا در مانیل، فیلیپین گفته است: «این خطاب به رهبران جهان است. زمان صنعت سوخت های فسیلی به پایان رسیده است. ما به یک انتقال عادلانه نیاز داریم و باید سوخت های فسیلی را که باعث تخریب محیط زیست ما می شوند حذف کنیم.» معترضان همچنان خواستار توقف توسعه صنعت نفت و گاز هستند. یکی دیگر از معترضان به تغییرات اقلیمی در

به دنبال افزایش گرمای زمین در پی ادامه استفاده از سوخت های فسیلی قرار است صدها هزار معترض در ده ها کشور دست به اعتراض بزنند. رویترز گزارش داده که معترضان از روز جمعه، ۱۵ سپتامبر تا یکشنبه هفته پیش رو ۵۰۰ تجمع اعتراضی در ۵۴ کشور جهان به تغییرات اقلیمی راه اندازی خواهند کرد. خواست اصلی این معترضان پایان دادن به استفاده از سوخت های فسیلی است که بخش زیادی از تغییرات آب و هوایی را منجر می شود. سازمان دهنده گان این اعتراضات جهانی انتظار دارند تا خواست شان در کنفرانس آینده تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار گیرد. میتز جوتل تان، فعال آب و هوا در مانیل، فیلیپین گفته است: «این خطاب به رهبران جهان است. زمان صنعت سوخت های فسیلی به پایان رسیده است. ما به یک انتقال عادلانه نیاز داریم و باید سوخت های فسیلی را که باعث تخریب محیط زیست ما می شوند حذف کنیم.» معترضان همچنان خواستار توقف توسعه صنعت نفت و گاز هستند. یکی دیگر از معترضان به تغییرات اقلیمی در

زلنسکی با بایدن ملاقات می کند

رسانه های بین المللی گزارش دادند که قرار است ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، هفته پیشرو به هدف اشتراک در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویارک، به امریکا سفر کند.

سی ان ان پنجشنبه شب، ۱۴ سپتامبر، گزارش داده است که زلنسکی پس از اشتراک در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، با جو بایدن، رئیس جمهور امریکا، ملاقات خواهد کرد.

بر پایه اطلاعات منابع خبری، رئیس جمهور اوکراین با حضور در این نشست تلاش خواهد کرد تا حمایت بیشتر کشورهای غربی را به هدف مبارزه با تهاجم نظامی روسیه علیه کشورش به دست آورد.



هنوز مشخص نیست که دیدار بایدن و زلنسکی در حاشیه نشست سازمان ملل در نیویارک صورت می گیرد یا در کاخ سفید.

زلنسکی در کنار سخنرانی در این مجمع، قصد دارد چندین نشست با دیگر رهبران جهان در نیویارک داشته باشد.

از جمله اهداف وی، متقاعد کردن کشورهایی است که با گذشت ۲۰ ماه هنوز موضع قاطعی در برابر حمله روسیه به اوکراین اتخاذ نکرده اند.

در همین حال، دولت اسرائیل نیز اعلام کرده است که زلنسکی با بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر این کشور، دیدار خواهد کرد.

بایدن آخرین بار در حاشیه نشست سران ناتو در لیتوانیا به صورت حضوری با زلنسکی ملاقات کرد. پیش از آن، این رهبر در ماه می در نشست سران G۷ در جاپان گفت و گو کردند.

قرار است هفته سطح عالی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از ۱۹ تا ۲۶ ماه جاری، در نیویارک برگزار شود.

شمار جان باختگان توفان در لیبیا از مرز ۱۱ هزار گذشت

دارد. نهادهای مدرسان با توجه به تعداد زیاد قربانیان، خواستار تهیه کیسه های بیشتر برای اجساد شده اند. براساس اطلاعات هلال احمر لیبیا، دست کم ۱۰ هزار و ۱۰۰ تن دیگر هنوز ناپدید هستند. محمد الدینالی، سخنگوی هلال احمر لیبیا در شمال شرق این کشور، اوضاع کنونی در این منطقه را فاجعه توصیف کرده است. در همین حال، محمد ابونجیله، سخنگوی سازمان بین المللی مهاجرت، گفته است که حدود ۳۰ هزار تن تنها در پی سیلاب ها و توفان در شهر درنه آواره شده اند. پیشتر مقام های لیبیایی گفتند که هزاران تن از قربانیان توفان اخیر در این کشور را در گورهای دسته جمعی دفن کرده اند. بر پایه اطلاعات رسانه های بین المللی، شهرهای شمال شرقی لیبیا، به شدت به کمک های بشردوستانه فوری نیاز دارند.



مقام ها در لیبیا می گویند که شمار جان باختگان ناشی از سیل و توفان در شهر درنه واقع در جنوب شرق این کشور به ۱۱ هزار و ۳۰۰ تن افزایش یافته است. رویترز پنجشنبه شب، ۱۴ سپتامبر، این آمار را به نقل هلال احمر لیبیا گزارش داده است. به گفته این نهاد، عملیات جست و جو همچنان ادامه

ایران: عدم رفع تحریم های موشکی از سوی اتحادیه اروپا پیامدهای ناگوار در پی دارد

پس از اظهارات جوزپ بورل، مسوولان سیاست خارجی اتحادیه اروپا، مبنی بر دریافت نامه ای از سوی کشورهای آلمان، بریتانیا و فرانسه در زمینه عدم رفع تحریم های موشکی تهران، وزارت امور خارجه ایران می گوید که این اقدام کشورهای اروپایی پیامدهای ناگوار در پی خواهد داشت. خبرگزاری فارس پنجشنبه شب، ۱۴ سپتامبر، به نقل از بیانیه ای وزارت خارجه ایران گزارش داده که این اقدام طرف های اروپایی برجام را مذاکرات رفع تحریم ها اثر منفی خواهد گذاشت. وزارت خارجه ایران، این تصمیم اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی برای عدم انجام تعهدات خود در موعد سال هشتم برجام را اقدام غیرقانونی، مغایر با تعهدات، عمل تنش زا و توام با سوءنیت می داند. در بیانیه این وزارت آمده است: «قابل پذیرش نیست که اتحادیه و سه کشور اروپایی این اقدام غیرقانونی خود را به عنوان واکنش به اقداماتی از ایران مستند کنند که کاملا قانونی و در واکنش به خروج امریکا و بی عملی اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی بوده است. اقدامات ایران از منظر حقوقی کاملا قانونی بوده است.» وزارت خارجه ایران هشدار می دهد که این کشور در چارچوب حقوقی به این تصمیم اتحادیه اروپا، پاسخ قاطع خواهد داد.

این در حالی است که پیشتر جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفت که نامه ای از کشورهای فرانسه، بریتانیا و آلمان دریافت کرده که در آن اعلام شده قصد ندارند تحریم های موشکی علیه ایران را به دلیل عدم پابندی تهران به توافق برجام، بعد از ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۳ رفع کنند.

رویترز: پایگاه واگنر در بلاروس در حال برچیده شدن است



رسانه های بین المللی گزارش دادند که براساس تصاویر ماهواره ای، به نظر می رسد پایگاه شرکت خصوصی امنیتی واگنر در بلاروس در حال برچیده شدن است. رویترز پنجشنبه شب، ۱۴ سپتامبر، گزارش داده است که تصاویر ماهواره ای از یک پایگاه نظامی در جنوب شرقی پایتخت بلاروس، برچیده شدن خیمه های جنگ جویان واگنر را در هفته های اخیر نشان می دهد. این تصاویر احتمالا نشان دهنده انحلال پایگاه گروه واگنر در بلاروس باشد. این تصاویر در ۲۵ اگست و ۹ سپتامبر، توسط شرکت

«پلنت لبتز» از پایگاه نظامی «تسل» در منطقه موگیلف واقع در جنوب شرقی مینسک، برداشته شده اند.

یوگنی پریگوژین، رئیس گروه واگنر و فرماندهان ارشد این گروه در ۲۳ اگوست، در پی سقوط جت شخصی وی جان باختند و این موضوع سرنوشت نظامیان این شرکت نظامی خصوصی را در حاله ای از ابهام قرار داده است.

این در حالی است که پریگوژین، رهبر گروه واگنر پس از آنچه عدم مدیریت جنگ در اوکراین از سوی مقام های نظامی روسیه خواند، در ماه جون سال جاری دست به شورش زد. این شوری پس از دو روز با میانجی گری الکساندر لوکاشینکو، رئیس جمهور بلاروس، به پایان رسید.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، این شورش گروه واگنر را در زمان خیانت ملی عنوان کرد.

جنگ جویان گروه واگنر پس توافق با دولت روسیه، مسکو را ترک کردند و در بلاروس، کشور متحد پوتین مستقر شدند.